

فاسیسم از نظر چرچیل

در اطراف نطق نست و زیر آنکه

عادت جم جل

امروز در فرانسه چه خبر است

۱۰۱۲

بابل فرن یشم

شودروی

فلم و متن شهر شودوی

بیان ارسورک

در نواحی غصی شال اروپا هر
شهر ترومزه نزول آنها بروشیدن
آجور سگر کرد و فرباد کچ کچ
آها دالا در میانه میدهند
است و باید در یکی از آنها دو هشت
آنها باز پیش از سنت سارلین
بروسی با خوشنام سرود از شیابانها
میور میکنند

در پرچه اغماش هسته اور
آبی بونام و آسانه ای را شدت کرسکی
آن میدند آنها را لای از لای دهم
مشود در کوه پاری افق از پر و خود از نه
ماه سوسک در اینها آجها
میخورد - آخر طرف در ای مدبره
دو کشتو رفاه بز دیده مشوده
قایلها آپا هر دو کراه های بر زیل
نهاده اند مسک دیده

نهایت مملکت است که رفتار
از شر آنها خلاص میشود و از نماد
آنها روز بروز کامته میگردد

آنها روزیانی اند است.
پاک نظر ناظر سوادی که اینها
از شور دار مشتات آنان آدم‌چشم
خوبیستند. (حلالی ای استکهاره آن ای ای
شهر هنگی از امدادی کراوات هستند
نهایت در صفحه قدم

لههستان - هله - بروز - آمدمان
ملات خواهد شد پکرور کاری
را کشاپریل ویس شهریاری مشتی
نامه از می پیش بین آرا گرد است
اعلام خواهد داد
دانه آلان خود را هم که بدست
یاس و ارش شنید مکرم (۱) یاد

هر کس خواهد نوشت در این امر از اینه
میتواند یا کارگران یا هر دیده ساکن
از این ماده ایشان کارگران بر حسب محظوظ
مدالیت خود ایسایر طبقات یا کطر غافل
وراهی اسرار از موهبت و بخشست آوردن
متفون خده خود مشکل نیست. آنها
بسیارند که اهل امیریش هستند با

عمرانیں لیکن مہمان کے شناس
دو سوکنے ماشین رنج میکٹنے
شر اخنووونہ اور ایک صورت دلی
مشکل خروج و بک اور کسی اور دوی
حاتم دھمہ بدل سوادہ کارڈ اوپنی
کہ مرکز پر انداختہ وایرننگ کیلئے پرس
مشکل رنج ہوا مدد اور یکروں نیکت
میلوں کا ارتقائی اور اخنووونہ اور ایکی
بھٹک ہوانہ رنج فاشیمہ اور اکر
کے پر ایک دلیل مدد کرستے۔

مشتہ کے در پشت یہ زندگی ہاتھ و پٹمن
ہیں یہ اک آئر ہنڈر و ہدمتائش ہے
مہبوبہ قادر بر قوت آپا یونہ و
خداوند ہو۔ مکر روزیک دو ماں
عمل احمد پاکت اسی وی شانہ شوند۔
چرچل موضع فوج ای ای ای ای ای ای ای ای ای
لوگوں لگاؤ کر کے اسی است کہ۔
۱۔ اکتوبر ٹکڑوں ہی بروز۔

عادت جزیره
شام دودل بیرون ولی آبی مکویم
خانق پر متر و سار اهینی است
غربت پاس در بالی
زمادار آفغان
امیر ارشاد ملهم سکون

پر اشکلا کر کرد و با اکرم آنکارا
بن پلاده... ماسله هه این آزوها
نهند که بکی سی او دیگری او بازار
بکانی که تاریخ آموخت و ملک مر
- حتی در لشکر ایکسو و پرس
ک بازار یو واقع یزدش انکار چیز

های خوب خواست کن این دروغ نه
پوش مخصوص سمت و اخراجی ام
برده است بسط شده که مرد که مرد
مرد نه این علیه همان و با مردی مرد
درین همکار که پنهان شد طور
بر اینه که خاص این شاش موجود
که است ما لازم داشتم هال ایکه ما
شنه تا اگر این و گل ایکه انسان داد
سینکله محل و مدل پوش طبله

بیانیه ماده چهارم موجب شد
که این کمیتی دارویه (که کنگره سنت
سینایه بگیرد) مختار می‌شود اوضاع زندگی
و دلخواه (تریپلی) که در هر سه این بیان
اما مددکاری های اسرارویی (شناختی)
نمی‌داند و آنها باشد (تحصیل علوم انسانی)

نیز مخصوص کوئی است در بودن
که از این داشت - ظاهور می کرد - همان
کلکاروی شام خار یست - به از صد
سالی که املاع مخفی می خوردند و هر

فرنیه و فلم نه مانند در بروز شدید و
بلکه باید گفت که یکی از خواص سر
در این میان خلثتها و جانبهای است که
هم مولع و موکله، همانی می باشد
و کسانی که غصه مادرهم مدت کوتاه می شوند
امرا دیگری که بیان آنی می شوند

مر است که هنوز حیثیت محتاط برای
روزگاره هادا هم آن «فکر سال» است
دو این پیکربندی فرن پس از جانک چه
کلیه تکنور های هفت ماهه پیشنهاد
تکنور همسایه مایر از آن فتنه و
آنکه بعدها بازگشت از آن در آغاز

دری بود که میخواسته مطرب شان را
و همچنان باشست بتواند... باز هم مواعید
مع آن را اخضار احمدی پست و لی
آنها را کشاند! که اینجا نیز
از اکن به تراز اندی اصلی مصادر سکون
نمی ملطفه مواعید کرد که نام این افراد

مهمیت صحیح در تدوین موند چه ای
مرا بودند بد شکل و فقط و نیز این اجر
رسیل مثال و ترور فراز دادند.
مان از شنا میرسم : آیا عربانه
از اصطلاحهای کثور و آیا لغه کشی هم
که ملکویان و آیا تعلیمات اجرایی ای

و مطابق حجر . آپا برجه کتب حرب
و علی پشاورکار . فرماندهان آن داد
کند همیشہ شاهزاده هایان و سو
و پیر میرزا ، آپا طبیعه پیشتر
العمر اراب و نفس قوانین ، آپا صدیق
مالیہ بر تروت گشود پیش افزو ره با

و نیز مددک و اشاره داده بای رانج و مانع
و نیز میررسیم آنکه اگر کسی داد
که سخن آشود ریست آنرا این مردم
از خانه ببردند بخدا و دادرس شدند برش
ار چالوس آسوده (چنانکه مدعاق و
که اینها همان مدت بر سر چشم انسان را داشتند

گردشگاری
از هم می بینم آنهاست
که بسته تروری که ایرانی از
آنها در خود را و پیوایانک گرفته
سازگار احتمال دهم آنها دیگران
آنها ایرانی و پیشنهادیان یا
شیوه

دروی شمعت پایه رف صدا کاری میگر



چگونه خائنین را گیرمید هند

سقوط باستیل

قلم ز - ب - مرتب
ترجمه: ناصر ونوجی

ازین زمان سازی و همین سازی
و مشغله سازی کارکرد از حسابات عملی
کردن بکاری که برای محاسبات با راه و
روش معمولی تکریه بود فقط پس از کار
بود اندیشه و حافظه و خام منع
و داشتم داده با افلاطون و ارسطو
دشمنی کردند، با عوامل و ملادها
و همچنان مخالفت پیوسته و بدگونی آغاز
نیهان، شلهه امیرزی و مصطفی و امیرلر
دانم راه و روش علی آموخته خلاص

آست که رهبو و مشترکان
بوز اهل اول بذری بد و کاگر
س سپاس دایس از اعزام
رها میندوشیم لیکار احتل
که او بتواند گل ساق خود
پیال کند و آن سیشم فسک کردن
اخراج سیار سمت خطر نک
اخراج سیار موتوری بد
رکنین مینار این رو شد و
کرد و اعزام کنند و نکنند

۴- فرس و ماری آتووات
و حتی سامرلر از لامارک و مرس ماضی دانشمندسته میرا و با آنها
خترت و خوفی که از او داشت پیدا نماید و با او ملاقات کند و رس و ماری
با پایدار میرا و دسرتی وی انتقام را ایستاده بپرسی بهم پس از میرکار و
فرشتهای داشتی و روز امروز و بالآخره نهادند و گشایش میرا بود در
جهنم معلمی مانعکش را از رو پیش و متبر میکرد. ماری از میرا بیزار
و د ونا چشم تمیز بر میکردست و لیه بیغ او بیغ او اینست داشت.
در این روز و روزه ۳ زوجه که کنوار است گرفت ساره میرا میدانست که چهار
ملکه را از خودشان مشتعل کند و هر چهار حم امکار و غذای خود را در منزه
او بشویند میدانست که موقدت او بحضور سنتین مربوط به فرشت ماری آتووات

نمایشگاهی داشت که در آن مردمی از این
میانشده کسی را که گرفته است
پنهانی و دارای گند.
سبلی در شتر شفاف اخلاق اول
کنی بازی کرد. برای جلوس
باشد خاص از اداره میانلر مخصوص سر
میزنش بفرموده از همه دست کنی پیر مرد

و خود او رفته است در این امر ایلی می باشد در اینکار یافته شده
در هنر حمال سواره به آشیانه ساختن شکران بود و نقش خود را دارد
آب بیده میرا و ملن خیلی هاد هست و همراه تحسین می خواهد و بیان میگند
نه و شاید همان دل برای باتش میرا همکن باز کنست مسلکها و میهمده که
«خام سلطنت تخت زد کار کرد» مسکن هم بوده که اینکار عالی شود اما پسر طی
سه هزار و ۵۰۰ متر
تو نهاده خالی که میرزا باد را میجند و دلو و دکت هایی که جور
میگردند پیش از آن راه را و معاشرت خوارانه سلطنتی را تذین میگردند و برو
نهضه میرزا و شیخ اعلیات نظامی شاهزاد داشت تا یک فرار او اول الی
روز ناکیت هاشمی هنگ می شستند و بد یک حله متفاوت میرزا داشته با
سر نفخه میرزا لوگوی او بازی پرسی پرسی هفتاد و در کوشش بار آن یونی ما
سرپرایز از این کسری دادند و می سخن میخواستند ولی در تماشی تبدیل مسلسل
سرپرایز از این کسری دادن میل است و معاصره سلطنتی بودند آلتون
که کشند و داده و داده و از ترازه داده و داده شاه پرسی و منهاده باز کنست میشود و
اگر لازم میشند بک جنگ داشتی کوچک هم بربا میگردند

و زیر که تحسین شرست را بروزه نمی
وارد میتوارد و تو را و از این باخراز
نمیستند.
با این وجود چون دستور اینها برخواهد
و سنت خود در مردم گردانید که یک شمار
پیغام و از مردم دست پس چشمکشید
آن و ایشان را کرد و همان اینها را
گشتر کردند همانکه درین لحظه
برای منه است بدینکه از عذرخواهی

اسن نشہ میراون ان بودندو حملہ منانہ بروہائی خواہی شرک
بداشتہ باشد و برائی ایسکے مرغ سودا سکری شناخت ناگزیر مباید ملکہ

پسر من یک کشته داشت
چونکه از زیر آست که در زیر آدم
لشکر پیشانی کردند یک هزار
آورس را میخوردند گزینه باشند
چنان خود گشتنی تو خود من ۲۰۰ و
اگر کسی از این امثال است که از مرد
گذشت لای از چنانی باید پیش نماید
نمود کردند
هر چیزی میگذرد که من بطور
درینه ای از این امثال است که

را ناچ بازد و زیر ماری اوتاک در پستانه طعن پیکسلان چه ری گرفت
پسکرید آنکه دست خارجی های سلسله کشا بود و برآورده ملت به روی پیغمدهای
ملکه های این خانه را پوشید و میخ و لاله ایک میهانست و علی همه
برادران ای آنده را وا پو موضع شده و مردم ای احمد کار کند و میرابو یار
او ملاقات اولی میتواند که هشتم و همانه سخن شنوه آسانی داشته باشد

اگر حدیت پیغمبر مطہر است
دست علیه ایشان ائمۃ ائمۃ حسین بن علی
و زاید و علی و علی زین العابدین و علی زین العابدین
کشیده و در موضع که جان و بندو
و داشتن در تراویح است مراعات های
یک سید و داشتن کشیده بر جای
که درست شدید بر این یک موضع
میتواند در مصالحت باشد بر کسانی
که آن کشیده های را در موضع
مکوند منتهی است درسته و صحیح

هر چند خداوند سلطنتی آزاده و آزادی پاپوس را ترک کردی
و بعده دیگر وود میزراوهم بود خود آنرا یک کناره گیری و اسود
کرده نشانه امداد و سر امداد است و از دامن شام باش سازد۔ اینها میزراوه
ول خود از خوب بازی میگردند و امید بر اخلاق اسلام مسلط وود و هدایت
کنند و دو زندگانی از خوب بازی میگردند و اینها از ملک دوست
نهند و بد و ندک آوارا سینه هزاره از طرف دیگر بازداران یعنی سلطنت
خواهان و خداوندان سلطنتی مستحبکی کرده و بعده آنقدر برمیگشت۔ ولی در
۲۷ مارس ۱۷۹۳ بهاری گردان میزراوا را سخت چشیده و اورا ستری شود.
میزراوا از زندگانه روی دو پیشین و احترامات در شب زندگانی و کروزیاد
است اما اینها از زندگانی از خوب بازی میگردند و اینها از ملک دوست

پست زیر آن و استکل سه
معلم هستگاهی است که آنها
برای مردم شناختش رفع برداشت
و پایان مسئله تغییر و حدود و جزئیات
خواهند داشت.

موس درو هنگام که لازم بود
گفتم: را رس آوردن سایر دست
مشتغلکار دوسو مسدود را باز آورده
و درین مکان دوست اینها را می خواهم که

میر او پیغمبر ترمذی و دو روکنی که داشت در دوم آوریل ۱۷۸۱
در شهر سبزوار که در این مکان هشتاد و بیست و سه هزار نفر کشته شد و
در آن میان کشته شدند از اینها همان چهار هزار و سیصد نفر را خودش میتوانست
آن هشتاد هزار نفر را کشید. و این که روایتی از آن روز کسی ایجاد نموده
آن هشتاد هزار نفر را کشید که باعث شد خبر پاشنخوار موسیقی آن ایندهیگه فرازون
بر این پیشتر و پیشتر مرگ و خسارت را و نیز کشتن گذاشت آن ایندهیگه همچنان که این کسی ایجاد
پاشنخوار مرگ و بود که بر زیر و نیز کشتن گذاشت آن ایندهیگه همچنان که این کسی ایجاد
روفت و لخت مرگ بالغند همچنان خوبش بینداخته و خوبش که بر زیر و نیز
پاشنخوار و محجع ملی شاید کن دا با آن معنی پیر و مله نکن دهد.

مشهد چه مانی هسته اینها را
شیوه های تبلیغی است. اسلام مخصوصات
مهمولی هسته من هم خود آنی و هم
زیارت شده باشد و داده و برد. روزی که اول
کار آمدند بودند خود داد و بردند همان کسی
که ایکل (و گرام) در یک کجا زد که
در مخصوصات بیکه نظر نداشتند
دیگر در مخصوصات بیکه نظر نداشتند
با ایکل برخی بیکه همیز دند و بیکه
منی مانی خوشبخت است و از ایکل

باشد می توانسته باشند و می خواستند
باشد می توانند و می خواستند
بکار ران از میان سوچاری خالقین
برداشت و خود را در ازون این هنر
دانشمند است او را نمی بگرد کنم تو نیز
لذتمند و سبله از خود نمی شوی
اسما کنست اصل این مسنه است
اینکه همانطور بر زبان مردم بر این
شده و از زندگی پیاز رام سوده است
پس از این داشت حال من هم امانت
خواسته ام از این که هر انسانها
که همیشه مدنی مدنی از این راه خورد
و میگذر ای این راه کجا افکارهای
نمی خواهد این راه کجا افکارهای

گر پسندیده میراث خوده نمایند که در
احسن سهیلی های این رسانه
شده و موده امروز آنها باکترور
آنها معمولی قدری نداشتند.
و بازگشتن از سرگفت دود
لئون - حرکتی انتقال
اینها احادیث مشهد ولی عزیز خود را
مشاهد می شوند و این روزات مادا کفر و
مشت این را نیکی معتقد نموده اند.

ساده ام از محسن مردم
که خود را مسحه سرد نماید
و از هویت آن دن وسوس که با چونه
دارند خود را کنگره اصلخانه ندارند
لئن انسانی و دوستی از هر راه مرگ
از پوکی خون (ساکسونی)

